

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - دوم جولای 2011

ده رباعی فرمایشی

چنان که در نوشته مؤرخ 22 اپریل 2011 - صفحه روز بعد پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" - خود وعده داده بودم، دوبیتیها و رباعیات دوست عزیز و بیمارم، لطیف جان صدیقی للندری را زیر کار گرفته و هر بار چند عدد آن را تنظیم و پیرایش میکردم، که به رباعی ذیل برخوردم:

ای شوخ ستم شعار بی باک بیا
بیرون ز باغ و برگ و از تاک بیا
مدهوش تو گشته ایم مانند لطیف
گشتست درون سینه ام چاک بیا

این منظومه و بالخاصه قافیه "آک" آن آنقدر در دلم نشست که با خود گفتم، من هم طبعم را مستقلاً آزموده و رباعی چند در همین قافیه انشاد نمایم و میدانم که عرصه این قافیه چندان فراخ هم نیست:

اینست که به فرمان و به فرمایش (1) دل، رباعیات ذیل را از سینه غمناک برون آورده و بحضور تو - ای خواننده رباعی دوست - پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" تقدیم میکنم. در عنوان از "فرمایش" سخن میگویم که مراد از فرمان این دل نالان است؛ دقیقاً همان گونه که معمول ملک ما در کانسرتها و "توی و پاس" (2) است که کسی آهنگی را فرمایش بدهد و هنرمند همان را بخواند:

ای یار دوستیز چالاک بیا
از ارض و سما و صدر افلاک بیا
دیدار ترا از دل و جان میطلبم
از بهر دل حزن و غمناک بیا

با دیده گریان و یخن چاک میا
از بهر خدای ارض و افلاک میا
صد بار بگویم و دوصد بار دگر
از خاطر این دیده نمناک میا

از پیش رُخم عبوس و بیبک مرو
از نیشه آن دخترک تاک مرو
غمگین نبینمت، نه هم زار و نزار
دلدارک من! بدون ادراک مرو

دنباله چرس و بنگ و تریاک مرو
در راه وطنفروش سفاک مرو
از عاقبت زبان مردم بهراس
نزد ترس ندای عرش و لولاک مرو

از نام خبیث خاد و ساواک گریز
از هیبت خرس و ببر چالاک گریز
دره‌های امید بر رخت بند مکن
از آه یتیم پیرهن چاک گریز

سر از ستم هجر تو کاواک شده
دل بر رقم سرشک من پاک شده
غیرت که از آن غرور افغان خیزد
افراشته چون قلعه خاواک شده

هنگامه حسن تو به افلاک کشید
اندازه حرص من به امساک کشید
ذهنم ز بسیط جهل تا پله علم
سدها بدرید تا به ادراک کشید

مغبون زمین و باغ و املاک مشو
مفتون ستم پیشه بیبک مشو
از قربت ناکسان به فرسنگ گریز
مقرون حریم خاد و واواک مشو

در بند زمین و باغ و املاک میباش
آشفته عیش و نوش بیبک میباش
دل در طلب علم و هنر باید بست
بازیچه اعدای درونچاک میباش

بیبک و صریح و چُست و چالاک بگو
نزد تاک و حریم بنگ و تریاک بگو

با خوردن چرب و نرم و شیرین بگسل
از سبزی و ترکاری و اسماک بگو

توضیحات:

1 - آنچه را ما زیر ترکیب "فرمایش" میدانیم، در فارسی ایران با ترکیب "سفارش" افاده میکنند. و چنان که میدانیم، در نزد ما مردم "سفارش" و "فرمایش" دو مفهوم کاملاً متفاوت را می‌رسانند. در دری ما مثلاً "آهنگ فرمایشی" گوئیم در حالی که ایرانیان در عوض "آهنگ سفارشی" را بکار می‌بندند. اگر در ایران "آهنگ فرمایشی" و یا در افغانستان "آهنگ سفارشی" گفته شود، نامفهوم و مضحک به نظر خواهد آمد. در زمینهٔ رسائی ترکیبات "فرمایش" و "سفارش" باید گفته شود:

چون "فرمایش" مربوط به مصدر "فرمودن" و "سفارش" (سپارش) مربوط به مصدر "سپردن" میشود، میتوان حکم کرد که "فرمایش" موضوع مدلول خود را بهتر افاده کرده و ترکیب منطقی تر است.

2 - "توی و پاس" ترکیب عامیانهٔ زنان کابل جان است و مراد از آن مراسم فرحتزای "عروسی" است. زنان قدیم کابلی درین عرصه ترکیب زیبای "توی و تللی" (با سه فتحهٔ اول) را نیز بسیار استعمال میکردند و خدا داند که بعد ازین همه لیل و نهار سیاسی و اجتماعی سی و چند سالهٔ اخیر که لامحاله "تموج و هرج و مرج فرهنگی" را نیز بدنبال داشته است، از این دو اصطلاح و دگر اصطلاحات خاص کابلی اثری مانده است و یا اینکه اینها نیز بمانند صدها و هزاران ارزش والای ما به گورستان تاریخ سپرده شده است؟؟؟

از قرار معلوم "توی" (بضم اول و واو مجهول) کلمهٔ ترکی میباشد. در افغانستان این کلمه را با "ط" و بشکل "طوی" مینویسند، که قرین صحت نیست.

3 - "اسماک" (بفتح اول) جمع "سَمَك" است که کلمهٔ عربی و در معنای "ماهی" میباشد.

طب مُعاصر که بر تازه ترین تحقیقات و اندوخته های علمی روز اتکاء دارد، از خوردن خوراکی های چرب و نرم و گوشت گاو و گوسفند و دگر چارپایان برحذر میسازد و در عوض مصرف وافر ترکاری و ماهی را توصیه میکند. دو بیت آخر رباعی دهم، مُشعر بر همین دانش و توصیه است.

در مصراع دوم همین رباعی "تاک" کنایه از "محصول شاعرانهٔ تاک" یعنی "شراب" است. عین مفهوم در رباعی سوم زیر کلمهٔ "دخترکِ تاک" نهفته است. در ادبیات دری از "دختر رَز" یعنی "دختر انگور" که همانا کنایه از "شراب" است، بسیار سخن رفته.

4 - "واواک" عبارت از شبکهٔ مخوف استخبارات رژیم "فاشیستی - کربلائی" ایران است، همان قسمی که "ساواک" در زمان باصطلاح "شهنشاهِ آریامهر" عین وظیفه را انجام میداد. با تأسف که تعدادی از افغانان وطنفروش - که حیف است نام مبارک "افغان" بر ایشان اطلاق گردد - در خدمت "واواک" درآمده و به ریشهٔ درخت گشن افغانستان و وحدت اقوام بهم برادر آن تیشه زده میروند.

بیخ خودِ شان کَنده باد!!!!